WWW.INN.IR

ایران ورزشی

۲۰۰۰ تومان

روزنامه صبح ایران ■ سال بیست و چهارم ■ پنجشنبه ۱۴ اسفند ۱۳۹۹ ■ Mar 4 - 2021 ■ ۲۰ رجب ۱۴۴۲ ■ شماره ۶۷۱۳

2411200075790003 6260757900037


یک قرن با ورزش ایران
(۱۴۰۰ـ ۱۳۰۰)

صفحه ویژه نوستالژی

یک قرن با ورزش ایران

۱۳۰۷ هجری خورشیدی

صفحه ۸


ایران ورزشی +

تو دیگر شش تا نخواهی زد!

پرسه‌ای در اولین قهرمانی پرسپولیس مدل ۵۲ در لیگ تخت جمشید

ضمیمه رایگان

امروز شصت و یکمین ویژه‌نامه آخرهفته ایران‌ورزشی به چاپ رسید. ضمیمه‌ای رایگان برای مخاطبان فهیمی که در این روزهای سخت با ما ماندند و تنهایمان نگذاشتند. استقبال از ویژه‌نامه تحلیلی-گزارشی ایران‌ورزشی نشان داد شما عزیزان به‌دنبال مطالب تازه، گفته‌نشده و روایت‌نشده هستید. هر پنجشنبه همراه با روزنامه، ۱۶ صفحه ویژه‌نامه آخرهفته توزیع می‌شود تا درباره پشت‌پرده اتفاقات ورزش بیشتر از قبل بدانید، عمیق‌تر تحلیل کنید و دور از روزمرگی‌های ورزش ایران، اطلاعات بیشتری به دست آورید. ممنون می‌شویم به رسم همیشه، ما را به دوستان‌تان و علاقه‌مندان ورزش معرفی کنید.

بازگشت سوم



فرهاد مجیدی با قراردادی ۲/۵ ساله به استقلال پیوست و مثل فصل گذشته مأموریت دارد فاصله با پرسپولیس را جبران کند و آبی‌پوشان را به قهرمانی برساند. این بار شرایط نسبت به لیگ نوزدهم کمی متفاوت است و فرهاد پخته‌تر از قبل شده. آیا او آرزوی هواداران را برآورده می‌کند یا تاریخ تکرار می‌شود؟

عکس: امیرحسین خیرخواه

برقراری فضای دوستانه در باشگاه
استقلال: مجیدی هیچ شرطی نگذاشت
صفحه ۶

پیروز، دستیار اول مجیدی
قربانی: هیجان روز اول بازی کردنم را دارم
صفحه ۶

بارها تا مربیگری استقلال جلو رفتم اما نگذاشتند
جباری: چرا سرمربی استقلال باید در فضای مجازی انتخاب شود؟
صفحه ۶

ارسال مدارک تکمیلی برای میزبانی مقدماتی جام جهانی
ایران یک قدم به میزبانی نزدیک‌ترشد
صفحه ۱

حکم جنجالی سوشا علیه پرسپولیس
چطور رقم قرارداد مکانی از ۱۴۵ میلیون به ۸۰۰ میلیون رسید؟
صفحه ۷

مایلی کهن: فرهاد تجربیاتش را در خانه جا نگذارد
چطور وقتی رسول‌پناه قراردادها را چند برابر کرد خوب بود؟
صفحه ۷

در حال بازسازی کشتی فرنگی هستم
بنا: کریمی در فوتبال مظلوم واقع شد
صفحه ۴

امشب در لیگ برتر؛ رویارویی کلوپ و توخل
استاد یا شاگرد؟
صفحه ۵

می‌پرسند فرهاد چرا برگشت؟ پاسخ ساده است



سرمقاله

فرشاد کاس‌نژاد ■ @Farshadcasnejad

هنوز نمی‌توان فرهاد مجیدی را در مربیگری صاحب روش دانست یا تیم او را از دور شناخت. هنوز فوتبال او قابل تمیز دادن از مربیان دیگر نیست، چون در فرصتی طولانی مربیگری نکرده است که نشانه‌های فکری‌اش در کار تیم پیدا باشد.

اما در همان تنها فرصت واقعی و کوتاه - نیم‌فصل دوم لیگ گذشته - مجیدی را بدون تخریب اندوخته فنی از دوره آندره‌آ استراماچونی دیدیم و البته او نشان داد که در حال کوشش برای ساختن تیم خودش است. محمود فکری فرصت حضور در استقلال را اینجا به فرهاد مجیدی باخت که هیچ نشانی از محافظت از سرمایه فنی تیم در کارش نبود و هیچ میلی به تغییر در مسیر خود نداشت و باور نمی‌کرد که خودش و همکارانش حتی در سطح توقع فنی موجود از یک مربی ایرانی بازی را باخته‌اند.

استقلال حالا قراردادی ۲/۵ ساله را با فرهاد مجیدی امضا کرده، لابد منظور از این قرارداد طی کردن مسیری طولانی با فرهاد است.

درباره فرهاد مجیدی یک پرسش این روزها مطرح است که او چرا به استقلال برگشت؟ یا می‌پرسند او چه تغییری در مدیریت استقلال دید که حاضر به بازگشت شد؟ پاسخ احتمالاً روشن و ساده است. مربیگری یک شغل است. او برای تجربه‌های بیشتر و بزرگ‌تر در شغلش برگشت و حق انتخاب دارد که به پیشنهادش پاسخ مثبت یا منفی بدهد. مگر فرهاد مجیدی تا پیش از بازی آخر احمد سعادتمند با نام استراماچونی، سرمربی استقلال نبود؟ امروز نیز با کیفیت مطلوبی از مدیریت مواجه نیست، مثل هر مربی ایرانی دیگری که احتمالاً در شعبه بارسلونا و رئال مادرید تهران یا تبریز کار نمی‌کند.

مرور دوره پیشین حضور فرهاد برای استقلال لازم به نظر می‌رسد. در استقلال میزانی از آسیب‌های مدیریت زیاد بود که برای مجیدی کار در آرامش فراهم نشد. او همواره در موقعیت سوءتفاهم با مدیران باشگاه قرار داشت و این مخدوش بودن روابط در روند کار مربی اختلال ایجاد می‌کرد. نمونه آخر و معروفش را در آستانه فینال جام حذفی در فصل گذشته دیدیم که مجیدی چاره‌ای جز استعفا نداشت. مدیر وقت باشگاه استقلال احتمالاً با هدف راندن فرهاد مجیدی، دغل‌کارانه موضوع کذب توافق دوباره با استراماچونی را فاش کرد و مجیدی آنچنان تحت فشار بود که انگار مانع بازگشت استراماچونی است. استعفای او برای حفظ شأن حرفه‌ای بر خلاف تحلیل رایج، منطقی بود.

فراموش نکنیم که کانال‌های میلیونی هواداری چه جوی در این مواقع می‌سازند و چقدر تحلیل‌های غلط و پرتکرار از شرایط در شبکه‌های اجتماعی می‌چرخد و چه فضای مسمومی ساخته می‌شود. فرهاد مجیدی هنگام آمدن به استقلال به عنوان جانشین استراماچونی و هنگام جدایی از استقلال با اعلام حضور استراماچونی از سوی باشگاه، این جو مسموم را تجربه کرد.

او البته باید در تصمیم‌گیری‌ها آموخته‌تر شود اما همین تجربه‌ها است که مربی را شاید در آینده محکم‌تر و سختگیرتر کند و البته این محکم و سختگیر شدن به معنای نادیده گرفتن آسیب‌ها برای شأن حرفه‌ای نیست و کاش او همواره به چنین لاابالی‌گری‌هایی در مدیریت باشگاه حساس باشد.

فرهاد مجیدی این‌بار در روزهایی به استقلال آمده که توقع قهرمانی از او مطرح می‌شود، در حالی که فاصله امتیاز با صدرنشین قابل اعتناست و مهم‌تر اینکه حجم تخریب فنی تیم آنچنان زیاد است که برای بازسازی آن کاری سخت پیش روی مربیان استقلال خواهد بود.

انتخاب‌های فرهاد مجیدی برای کادر فنی استقلال نشان می‌دهد که او می‌خواهد کار فنی تازه‌ای را شروع کند. خبر حضور فراز کمالوند و پیروز قربانی برای تشکیل یک کادر فنی می‌تواند برای استقلالی‌هایی که کیفیت تیم خود در ماه‌های اخیر را دیده‌اند، نویدبخش باشد.

فرهاد مجیدی اگر از همین فصل جاری نشان دهد که برای یک پروژه بلندمدت در استقلال آمادگی فنی و حرفه‌ای دارد، آنگاه قرارداد ۲/۵ ساله او با استقلال معنایی بیشتر از یک امضا پیدا می‌کند.

سران «آبی» در فرهاد مجیدی چه چیزهایی را می‌بینند؟
تست سوم «خوش‌تیپ اول»!



حرف اول
وصال روحانی ■

برای فرهاد مجیدی سرمربی شدن در استقلال به طور اضطراری در اواسط یا اواخر فصل تجربه تازه‌ای نیست و در نتیجه باید از سران این باشگاه پرسید که در این مرتبه تازه گزینش وی چه چیزی را از این قضیه جست‌وجو می‌کنند.

فرهاد مجیدی مرتبه اول در لیگ هجدهم هنگامی که استقلال با وینفرد شفر در مشهد مغلوب پدیده (شهرخوردو) شد، به طور ضربتی و برای چهار دیدار باقی‌مانده آبی‌ها در لیگ برتر و یک بازی لیگ فوتبال قهرمانان آسیا هدایتگر آنها و جانشین شفر شد و کم و بیش همان نتایجی را گرفت که اگر مرد پیر آلمانی هم باقی می‌ماند، همان نتایج را می‌گرفت. با همین طرز اندیشه بود که مدیران استقلال فرهاد را برای فصل بعدی نخواستند و آندره‌آ استراماچونی را آوردند اما وقتی این مرد ایتالیایی از دیدن بدعهدی‌های این مدیران عاصی و از فوتبال ایران فراری شد، یک بار دیگر مجیدی را به طور اضطراری و شتابزده صاحب پست سرمربیگری این تیم کردند.

سناریوی مرتبه جدید نیز بسیار شبیه به ماجراهای استراماچونی است با این تفاوت ظاهری که دست مدیران استقلال برای رویکرد به دستیاران محمود فکری و انتخاب یکی از آنها (مرفاوی یا مظلومی) به‌عنوان سرمربی موقتی باز بود ولی به این نتیجه تکراری و درست یا غلط رسیدند که مجیدی از آنها بهتر است. راستی مجیدی چگونه آدمی است؟ شکی نیست که او در فاصله کمی تا ۴۵ ساله شدن همچنان «خوش‌تیپ اول» در میان مربیان معروف ایران و حتی کل جامعه فوتبال کشورمان است و با آن هیکل تراشیده و مانکنی‌اش حداقل ۱۰ سال جوان‌تر نشان می‌دهد و این باور را در ذهن‌ها ایجاد می‌کند که اگر همین امروز به‌عنوان بازیکن وارد زمین شود بهتر و موفق‌تر از بسیاری از فورواردهای پرطمطراق روز عمل خواهد کرد. آنچه سران قبلی استقلال و مدیران فعلی این تیم در او جست‌وجو و البته آن را یافت می‌کنند، نه فقط سیمای خوش او بلکه محبوبیت فراوان وی روی سکوها و نزد هواداران استقلال است. درست است که کارنامه نه چندان موفق مجیدی در دو مرتبه قبلی سرمربیگری‌اش در استقلال و حاشیه‌ها و درگیری‌هایش با احمد سعادتمند در مرتبه دوم از محبوبیت وی کاسته و به سبب تبعات بسط کرونا اصولاً تماشاگری روی سکوها وجود ندارد که نام وی را فریاد بزنند اما باز هم فرهاد محبوب‌تر از هر گزینه دیگری است که ممکن بود سران استقلال به وی بیندیشند. محبوب‌تر از جواد نکونام که فقط یک فصل و نیم آبی‌پوش شد، دوست داشتنی‌تر از امیر قلعه‌نویی که در دو مقطع سوم سرمربیگری‌اش در استقلال هر عمارت خوبی را که در دو مرتبه قبلی ساخته بود ویران کرد و البته محبوب‌تر از ساکت الهامی که صبح دیروز در باشگاه استقلال مشاهده شد و مجتبی جباری گفت که «ساکت» برای سرمربیگری‌اش در جمع آبی‌ها از وی کمک فکری خواسته و به روایت بهتر از او درخواست کرده که دستیار اولش در امر هدایت استقلال باشد.

محبوبیت چیست؟ در فوتبال محبوبیت چیزی است که مدیران ناموفق می‌توانند پشت آن پنهان شوند تا تصمیم‌های غلط‌شان دیده نشود و چنانچه تیم شکست خورد به لطف همان محبوبیت‌ها بتوان ترکش‌های اعتراض شدید هواداران را بی‌اثر کرد. در اینگونه موارد مهم نیست فرد مورد اشاره نامش چیست. در مربیگری چه رزومه‌ای دارد و اصولاً در این حرفه به کدام کلاس و چه میزان از کارآیی رسیده است، کافی است مردم او را دوست داشته باشند و به سبب همان علاقه چشم بر نتایج ضعیف احتمالی وی ببندند. طبیعی است که اینگونه آدم‌ها تاریخ مصرف مشخصی دارند و به محض اینکه محبوبیت‌شان به شدت کم یا به کلی محو شد، مدیران به سراغ‌شان نخواهند رفت حتی اگر مربیان بسیار خوبی از دیدگاه فنی باشند.

مجیدی از دیدگاه فنی چگونه مربی‌ای است؟ او مردی است که در هیچ تیم باشگاهی دیگری بجز استقلال امتحان پس نداده تا عیار کارش روشن‌تر شود و تنها سرمربیگری دیگرش در تیم ملی امید در تابستان و ابتدای پاییز ۱۳۹۸ بود که فقط سه ماه طول کشید و به دلیل اختلاف نظر با استیلی، مدیر تیم استعفا کرد. مجیدی در مقطع دوم مربیگری‌اش در استقلال نیز کار بزرگی انجام نداد. او استقلال را در لیگ نایب قهرمان کرد که پیش‌تر علیرضا منصوریان و شفر هم به این مهم دست یافته بودند و در فینال جام حذفی مغلوب هیاهویی شد که خود او با دعوای آشکارش با احمد سعادتمند به راه انداخته بود و از طریق چنان حاشیه‌سازی تأسفبار و کودکانه‌ای تمرکز را از تیمش گرفته و حاشیه را بر آبی‌ها حاکم کرده بود. درست است که تراکتور با بازی طوفانی و زیبای نیمه اولش در آن فینال با نتیجه نهایی ۲-۳ برنده و فاتح جام حذفی شد اما این مجیدی بود که با جنگ زرگری‌اش با مدیری که می‌گفت مجیدی حتی حاضر نشده فوت پدرش را به وی تسلیت بگوید جاده صاف کن آن ناکامی شده و به معنای واقعی کلمه خودزنی کرده و استقلال را به ته چاه فرستاده بود.

با این پیش‌زمینه‌ها چقدر می‌توان امیدوار بود که مجیدی در مرتبه سوم انتصابش به‌عنوان سرمربی استقلال موفق باشد و بهتر از دو دفعه قبلی عمل کند. پاسخ به طور دقیق مشخص نیست اما شکی نیست که شرایط بی‌شباهت به مرتبه دوم روی کار آمدن اضطراری وی نیست. تفاوت ظاهری در این است که فرهاد در آن مرتبه جانشین استراماچونی بسیار محبوب شد و این بار جای «فکری»‌ای را گرفته است که پس از کسب یکسری نتایج ضعیف آبی‌ها واقعاً از وی قطع امید کرده بودند و کمی تا قسمتی منفور شده بود. تمامی حساب‌ها و امیدها و مسائل قبلی و اینکه مجیدی شخصاً چطور آدمی است اینک از صورت معادلات حذف شده و فقط این مسأله مهم است که او چگونه می‌تواند از مهره‌های اغلب ناموفق مانده استقلال در نیم فصل اول لیگ بیستم بازی‌هایی را در ادامه کار بگیرد که برای «فکری» امکانپذیر نبود و در آن راه کم آورد.

ریز نتایج استقلال در نیم فصل دوم لیگ نوزدهم با هدایت مجیدی قدری بهتر از ریز نتایجی است که فکری در نیم فصل اول لیگ بیستم گرفت اما تفاوت‌ها در حدی نیست که معیار و روال مشخصی برای پیش‌بینی سرنوشت استقلال در لیگ بیستم به‌دست ما بدهد. بنابراین فقط فن مربیگری مجیدی و حجم توانایی‌های او در این زمینه شرط است، آن هم در روزهایی که لابد دستیاران فکری مثل او استقلال را ترک خواهند کرد و اصولاً مجیدی فردی است که فقط با افراد مورد وثوق خودش کار می‌کند نه با دستیاران دیگران. او مرتبه پیش هم به مجید نامجو مطلق روی آورد و نه به لشکر سلم و تور و البته کم اثری که فکری را در پنج ماه اخیر همراهی می‌کردند. قدر مسلم اینکه سران استقلال دست به تعویض اضطراری سرمربی‌شان نزدند تا دوباره نایب قهرمان لیگ شوند و فقط کسب قهرمانی شغل آنها و آینده مجیدی را بیمه می‌کند و در غیر این صورت هر دو طیف فوق در پایان فصل رفتنی خواهند بود و شاید بین مرتبه‌های سوم و چهارم فراخوانی مجیدی به صندلی داغ سرمربیگری استقلال فاصله بسیار بیشتر در قیاس با سه مرتبه قبلی بیفتد.

در این هنگام ابهام و نامشخص بودن اوضاع و قایم شدن مجدد «دوستان» پشت مجیدی و در حالی که سر مجیدی همیشه برای دعوا کردن با مدیران درد می‌کرده است، این تنها چیزی است که می‌توان با اطمینان و یقین درباره او و تیمش و سرنوشت آنها گفت و هر چیز دیگری گمانه‌زنی صرف و باد هواست.

اعتراض عجیب هشت شاکی به انتخاب مجیدی
چرا جباری فقط منتظر نیمکت استقلال است؟



یادداشت
آرمن ساروخانیان ■ @armen7791

صبح دیروز، ساعتی قبل از انتخاب مجیدی به عنوان سرمربی جدید استقلال، مصاحبه‌ای از مجتبی جباری منتشر شد که ادعا می‌کرد ساکت الهامی با او برای همکاری در استقلال تماس گرفته است. الهامی ظاهراً گزینه دوم باشگاه استقلال بود که در نهایت انتخاب نشد، ولی همین تماس کوتاه با جباری دلیلی شد تا شماره ۸ سابق استقلال به انتخاب مجیدی، همبازی سابقش معترض شود.

جباری در این باره گفت: «اینکه یک مربی بخواهد با فضای مجازی انتخاب شود، کار درستی نیست. باشگاه متعلق به کسی نیست که اینگونه بخواهد روی آن مانور بدهد. کسانی باید به استقلال بیایند که توانمند بوده و دنبال منافع شخصی خودشان نباشند. در بحث مربیگری در سال‌های اخیر سعی کردم از تمام چیزهایی که وجود داشت، استفاده کنم و خودم را بالا ببرم. فراموش نکنید چند بار می‌توانستم به عنوان مربی از جمله زمان وینفرد شفر در استقلال کار کنم اما دوستان با ارتباطات توانستند ما را دورنگه دارند و افراد دیگری را نزدیک کنند.»

جباری معتقد است که مجیدی با فشار فضای مجازی مدعی نیمکت شده، ولی نمی‌گوید که خودش با کدام کارنامه می‌خواهد روی نیمکت بنشیند و برای اثبات توانمند بودن خودش فقط باید به حرف‌هایش استناد کنیم که در این مدت خودش را «بالا برده است».

یکی از مشکلات استقلال و پرسپولیس در این سال‌ها سهمیه‌ای است که بازیکنان سابق برای نشستن روی نیمکت برای خودشان قائل هستند. طبق یک رسم نانوشته هر کدام از آنها تنها به پشتوانه بازی برای استقلال حداقل یک بار باید این نیمکت را تجربه کنند، بدون اینکه توجهی به آمادگی فنی آنها شود. آخرین مورد از این دست محمود فکری بود که با کادری تمام استقلالی آمد و نتیجه‌ای جز ناکامی کسب نکرد.

سؤال بزرگ درباره مربیان جوان مثل جباری این است که چرا برای مربیگری فقط منتظر نیمکت استقلال هستند؟ اگر مجتبی واقعاً به مربیگری علاقه دارد و خودش را مجهز به علم این کار می‌بیند، چرا در خانه نشسته و در تیم دیگری کار نمی‌کند؟ چرا مثل پیروز قربانی، امید روانخواه یا رضا عنایتی فعال نیست تا هم تجربه‌اش را بالا ببرد و هم برای رسیدن به نیمکت‌های بزرگ‌تر و احیاناً استقلال پخته شود؟

آماده شدن برای مربیگری فقط حضور در کلاس‌ها، خواندن جزوه‌ها و دیدن فیلم‌ها نیست و تجربه واقعی با تجربه در تمرینات و بالا و پایین‌های حین مسابقه به دست می‌آید.

سابقه بازی در استقلال قطعاً عامل مثبتی برای مربیگری این تیم است، ولی فاکتور اصلی نیست و دانش فنی و تجربه مربیگری فاکتورهای بسیار مهم‌تری است. آخرین مربی موفق استقلال استراماچونی بود که پیش از سفر به تهران نه فضای این تیم را می‌شناخت نه محبوبیتی روی سکوها داشت، ولی توانست تیم را متحول کند و دل هواداران را در فضای مجازی و واقعی ببرد.

جباری مدعی است که گزینه خوبی برای حضور در کادر فنی استقلال است، ولی بعد از ماجرای جانشینی شفر که خودش با آن اشاره داشت، تنها دوره کوتاهی به کادر فنی گل‌گهر اضافه شد و مشخص نیست چرا در بهترین سال‌های کسب تجربه مربیگری در خانه نشسته است؟ شاید اگر در این سال‌ها جباری و همبازیان سابقش تلاش بیشتری در عرصه مربیگری داشتند، باشگاه استقلال در سال ممنوعیت ورود مربیان خارجی با کمبود گزینه روبه‌رو نمی‌شد.

ارسال مدارک تکمیلی ایران برای میزبانی گروهی C مقدماتی جام جهانی
ایران، یک قدم به میزبانی نزدیک‌تر شد

گرفتن میزبانی گروه C در مسابقات مقدماتی جام جهانی از مهم‌ترین اتفاقاتی است که می‌تواند شانس بزرگی را در مسیر صعود، نصیب تیم ملی فوتبال ایران کند. درخواست این میزبانی به صورت رسمی دیروز (چهارشنبه) از سوی فدراسیون فوتبال برای AFC ارسال شد.

با توجه به اینکه تا هفته آینده فرصت ارسال فرم‌های درخواست میزبانی دیدارهای باقیمانده انتخابی جام جهانی ۲۰۲۲ قطر در گروه C و دیگر گروه‌ها وجود دارد، فدراسیون فوتبال ایران دیروز (چهارشنبه ۱۳ اسفندماه) آمادگی خود را در گروه C در بالاترین سطح پروتکل‌های بهداشتی، امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری اعلام کرد.

ارسال این درخواست از این جهت اهمیت داشت که اگر دیروز این اتفاق رخ نمی‌داد، به دلیل تعطیلی پنجشنبه و جمعه در ایران و تعطیلی شنبه و یکشنبه در کشورهای دیگر، عملاً ارسال این درخواست و بررسی آن به روز دوشنبه هفته آینده موکول می‌شد و در صورت بروز مشکل، فرصت کافی برای برطرف کردن آن نبود و از آنجا که این میزبانی برای فوتبال ایران از اهمیت بالایی برخوردار است، حتی لحظه‌ای درنگ در انجام امور آن می‌تواند به ضرر فوتبال ایران تمام شود.

تیم ملی فوتبال ایران در گروه C انتخابی جام جهانی ۲۰۲۲ در منطقه آسیا با تیم‌های عراق، بحرین، هنگ‌کنگ و کامبوج همگروه است که دیدارهای دور رفت خود را با دو پیروزی و دو شکست به پایان رسانده است، چهار دیداری که سه دیدار آن خارج از خانه بود و ایران در دور رفت فقط از کامبوج میزبانی کرد.

با توجه به استراحت ایران در هفته اول دور رفت و دور برگشت دیدارهای گروه C طبق قرعه، چهارتیم دیگر فقط سه بازی دیگر خواهند داشت و فقط تیم ملی ایران چهار دیدار را برگزار خواهد کرد که طبق برنامه باید در سه دیدار مقابل هنگ‌کنگ، بحرین و عراق میزبان باشد، با این حال طبق اصول جوانمردانه نیز ایران باید برای میزبانی گروه C در اولویت باشد و کنفدراسیون فوتبال آسیا شانس بیشتری برای ایران قائل شود.

از میان تیم‌های ملی حاضر در گروه C فدراسیون فوتبال ایران و بحرین برای میزبانی متمرکز بازی‌ها درخواست خود را به کنفدراسیون فوتبال آسیا ارائه کرده‌اند، این در حالی است که بحرین در دور برگشت، فقط دو میزبانی دارد که آن هم مقابل کامبوج و هنگ‌کنگ است و دیدار مهم آنها مقابل ایران باید خارج از خانه برگزار شود. از آنجایی که بحرین رقابت نزدیکی هم با ایران برای صعود به مرحله بعدی دارد، می‌خواهد با گرفتن میزبانی از ایران شانس خود را بالاتر ببرد. آنها حتی می‌توانند با میزبانی از سه دیدار دیگر ایران مقابل سه تیم دیگر، شرایط روانی را به ضرر تیم ملی ایران و به سود رقبایش فراهم کنند تا حذف ایران و صعود خودشان را رقم بزنند. در صورتی که ایران میزبان رقابت‌ها شود اما بدون شک مسیر صعود و موفقیت در راه جام جهانی برایش به مراتب راحت‌تر خواهد بود.